

مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام
ساحب امتیاز روزنامه هفتگی
و یومیه (جبل المتین)
(عنوان مراسلات)
طهران خیابان لاله زار
نائب مدیر میرزا سید حسن کاشانی
دبیر ادارہ آقا شیخ یحیی کاشانی
غیر از روزهای جمعه همه روز
طبع و توزیع میشود

یومیه

جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

قیمت اشتراک سالیانه
طهران ۳۰ قران
سایر بلاد داخله ۳۵ قران
روسیه و قفقاز ۱۰ منات
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک
(قیمت یک نسخه)
در طهران صد دینار
سایر بلاد ایران سه شاهی است
قیمت اعلان سطر
دو قران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه
بامضا قبول و در انتشار اداره آزاد است

شنبه ۴ رمضان المبارک ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۵ مهرماه جلالی ۸۲۹ و ۱۱۲ کبیر ۱۹۰۷ میلادی

سیاسی

(تعمین تکالیف لازمه)

دول اروپا که در نظر فلاسفه بدول طماع تعبیر میشوند
از برای ازدیاد ربح و خود در یک ملت و مملکت
چندین طریقه دارند یکی آنکه بنام تمدن و انصاف داخل شده
باسم آنکه اینقوم وحشی و بی تربیت هستند و باید در راه
تربیت شان کوشید و بشاهراه مدنیّت و آدمیت وارد کرد
و گاهی ازین معنی تعبیر میکنند باینکه اینقوم صدمیر و نابلغ
و نرسیده به حد رشد و تمیزند البته از برای سفیر که صلاح
و فساد کار خود را نمیداند قیم و ولی لازم است که
امور او را اداره نموده از لغو جاج و انحراف و افراط
و تفریط در مهام جلوگیری نماید چنانکه بهمین اسم
فرانس نوئس و الجزائر را متصرفی شده و انگلیس بهمین
عنوان هندوستان و مصر را مالک گردید و هر وقت مصر برها
فریاد مجلس شوری ملی که باصطلاح خود مجلس قیامی
میگویند که و کلاء و نواب ملت اتریش تشکیل میدهند
فورا انگلیس در جواب میگوید اهالی مصر هنوز از لیاقت
و رشد را حاصل نکرده اند که بتوان امور شان بخودشان
تفویض نموده و علت حقیقی این طفره همان است که
هر ساعت که در مصر مجلس ملی افتتاح شود
بناچار انگلیس باید اعتراف کند که امت مصری
بسر حد رشد رسیده اند و محتاج بقیم نیستند پس
باید مهام را بخودشان واگذار کرده فزون
ساختوی مصر را که جیش انحلال میکنند بر دارد
و دست نفوذ خویش را از اتملک نوتاه رسازد — و
نهایت تعجب است که انگلیس لیاقت ایرانیان را اقرار کرده

استدعاء مجلس شوری را او بحضور همیونی فرستاد
و تا حدی محرك ایرانیان در این خیال گردید و مصر یارا
که در علوم و معارف چندین مرحله از ایرانیان پیشند لایق
و رشید نمیداند و بدفع الوقت میکندرانند و از تصدیق خورد
در ماده ایرانیان نیز گویا پشیمان شد که بقول نیلی نیوز
ایرانیان تازه از خواب بیدار شده را بمستبدترین دول
اروپا میسپارد !!!
امروز بهیچ وجه این نسبت را کسی نمیتواند باین
ملت بدهد زیرا که مقصود از رشد یک ملت آن نیست که
تمام افرادش حتی اهالی قری و مزارع دانا و بیانا و
واقف بمواقف عصر حاضر باغند زیرا که هنوز در اروپا
نیز این مقام برای هیچیک از ملل پیدا نشده فرانسه که
اکنون مادر تربیت و پدر تمدن بشمار میرود و اهلی
بیداری و هوشیاری مرصوفند هنوز نتوانسته معارف را
بهمه مملک خود سرایت بدهد چنانکه سال گذشته در
موقعیکه از پارلمان و سنا و مجلس وزراء حکم صادر
شد بعضی کشیشان که مشافهته میشدند اخذ و تبمید هونند
اهالی جنوب بانکه از خوف مجازات قانون چون بید
برخود می لرزیدند برای آنها اشک ریزان و جامه کتان
بوده دور حانه آنها را چوب و هیزم میریختند که برای
پلیس اسباب زحمت فراهم شود و همچنین جهالت و
ساده لوحی و لاجان انگلیس که قدم ملل عالم محسوب است
در فرنگ ضرب المثل است - بلکه وقتی میگویند یک ملت
بیدار است مقصود یک قسمت بزرگی از مردان شهر های
عمده است چون طهران و تبریز و اصفهان و غیره و الحق بیداری یک
قسمت عظیمی از اهالی را احدی نمیتواند انکار کرد پس
دول اروپا حق ندارند بنام تمدن و رفح و حثیت و

بربریت مداخله در داخله ایران نمایند اما اسوس کار از دست ما خارج و اختیار درید قدرت آنها است هر قدر ما فریاد کنیم بیداریم کسی گوش بسخشان ما نخواهد داد و پای بیرحمی در خانه ما دراز خواهد کردید —

شب گذشته در منزل یکی از دوستان بودم کتابی انگلیسی نشان داد که یکنفر انگلیسی مقیم مملکت کره شرح هجوم ژاپونیان را در سئول پای تخت کره نوشته و بی اعتدالیها و ستمکاریهای این تازه متسدین را نسبت باهالی مظلوم کره و پادشاه و ملکه انملک مفصل و مبسوط نوشته رفیقم چندورقی از آن کتاب را ترجمه کرده حال مرا متعجب نمود و در دریای حیرت غوطه ور شدم که چگونه انسان را ضی میشود با نوع خود اینقسم سلوک جا برانه و ظالمانه را معمول بدارد من حمله مینویسد پادشاه کره را ملکه بود که بدانشمندی و کفایت و درایت و هوش مفرط صاحب مقامی بلند گردیده و در وطن پرستی و حفظ مملکت نهایت سعی داشت و لا محاله پلنیک چنین شخصی با اجانب نمیسازد و بدین سبب ملکه برضد ژاپونیان اقدام میکرد و متصل در دست و پا بود مگر بتواند وطن خود را حفظ کند ژاپونیان بمدار ورود سئول و گرفتن اطراف قصر پادشاه را در گرفتاری و قتل ملکه نهایت کوشش میکردند و ملکه خود را بلباس میدل در آورده و قسمی باحواشی رفتار کرده بود که با وجود شکنجه و کتک زیاد کسی ملکه را نشان نمیداد شبانه در عمارت ریخته و پادشاه را گرفته بر جوان رعنا یعنی فرزند پادشاه رحم نکردند و بضرب خنجر بیداد بدش را سوراخ سوراخ نمودند ملکه از مشاهده حال فرزند تاب نیاورد و فریاد بر کشید و خود را بروی نفس فرزند افکند فوراً یک سرناز ژاپونی او را بر زمین زده و بروی سینه اش نشسته خنجری بر سینه اش زده انگاه کیسوانتر گرفته کشان کشان از سرای پادشاهی بیرون کشید و در نهایت ذلت و مسکنت در خاک و خون غلطید پس اقدر حرکات جبارانه شبانه از آنان صادر شد که نوشتن آنها تاریخ را ملوث میساز — (بقیه دارد)

(و فایع نکار ما از اتزلی مینکارد)

انجمن بلدیة مشغول نمره گذاردن خانها و عمارات عموم شهر است و بعد عدة نفوس را معین خواهد نمود بعضی از خوارج که مسلمان هستند و رعیت خارجه میباشد نمره هائیکه در سر درب خانهای آنها زده اند سیاه کرده اند اما آرامته و سایر خوارج تبعیت مسلمانها را نکرده اند میگویند دولت مشروطه مطنه باید بشکالیف نظامنامه خود عمل کند

نایبالحکومه نازه عمید همایون بدون اطلاع اداره بلدیة جائی را که محل سید ماهی بود باجاره برگذار کرده بود بلدیة اعتراض نمود او نیز از این خطای خود اظهار نمود که سالها بود ما آنجا را باجاره میدادیم بدیسی است که بلدیة او را حالی خواهد نمود . . .

قیمت گوشت و نان را اداره بلدیة بقیمت مناسب اعلان و در ب دکان قصاب و خباز نصب کرده بهمان میزان باید بپروشد . . .

برنج جو دار که بیازار فروش میامد بلدیة غدغن نمود تمام برنج خوراک و تجارتی باید از دهات پاک و صاف وارد شود از اول ماه رمضان کسی نباید برنج جو دار پاک وارد اتزلی کند

تقریباً دو ماه بود تلکرافتی اتزلی بواسطه اثر بش تراهیدن درد کان ارمنی که باو امر بمرو و انسی از منکر شده بود همرا برشت رفتن مخابره تلکرافتی نمیشد رئیس تلکرافتی رشت هر قدر سمر کرد که امر بمرو و کننده را باطایف الجبل برشت برده مجازات دهد حتی انجمن ملی رشت هم احضار چند نفر را از اتزلی نموده بود کسی نرفت چون او مرتکب خلاف شرع شده بود باو امر بمرو و کرده بودند دیگر برای این فقره نباید امر بمرو و مجازات بشود بالاخره سپیدار حکم نمود از مازندران یکنفر تلکرافتی بازلی بیاید و آمد مشغول مخابرات تلکرافتی است . . .

دیروز تلکرافتی که از طرف عموم رجال دولت و ارکان آن هیئت بصوم ولایات مخابره نموده بودند در انجمن بلدی با حضور علماء اعیان اشرافی ملت قرائت شد مبنی بود بر اینکه مارچال دولت با ملت و سلطنت مشروطه همراه هستیم دولت و ملت با هم متحد هستند از قرائت این تلکرافتی عموم ملت فرحناک شده اند . . .

(خوی)

مدیر حبل المتین مذ ظله العالی آزادی قلم را از افواه مردم شنیده ایم از اینجمله جسارت نموده مصنع میبایم

اغتشادات سر حد ها از سر گذشته روز بروز ابواب ظلم و ستم باز میشود دشمن خونخوار در بورق است اگراد عثمانی و داخله هر یک یک پلنگ خو نخوار کشته چهارا در هر کجا پیدا کرده میکشد مادرشرا میبرد گویا این یک داستان است از زبان قلم جاری میشود برای مستمعین گویا داستان حسین کرد است این داستان جگر را خون میکند کوهها را آب میکند خودمان میدانیم ایران چقدر جائی است و چقدر مخلوق دارد دادرس ندلیم کرده ایم دشمن را یک یک عرض نمائیم که

دادیم ما را از دشمن بستا ند الحمد لله در این موقع هلاکت که صد درجه از مرض طاعون و وبا بدتر است رؤسای ملت ما یکدوای حفظ الصحة برای ستمدیدگان و داغ رسیدگان این روزگار استنباط کرده اند و آن دوی حفظ الصحة را در شماره ۱۳۳ جریده انجمن مدیریت ضبط فرموده اند خداوند جزای خیر دهد یکورق آن دو صفحه جریده را در این موقع باریک بر کرده اند حفظ الصحة بری ابرایسان یاد داده اند من جمله فرموده اند (شهری که در تمام کوچه و بازارهای گاوگوسفند ذبح کنند و مذبح و مسخ مینی نداشته باشد و تفویض خون و کثافات فضا را بر کند دیگر انتظار چه صحت و امید بکدام تندرستی را میتوان داشت)

بای چنین است جنابعالی از مذبح و مسخ مینی ایران غفلت دارید بیاید ارویه و خوی و ساو جبالغ و غیره و و ملاحظه نمایند جابر فضایل ماب موقع این نظافت نیست هما خون و لاشه سر حدها را پاک و تطهیر نمایند چه موقع تطهیر است (علاجی بکن کز دلم خون نیاید) گویا جنابعالی کار زمین را ساختی بر آسمان پرداختی بنظر مردم این جور جریده نکاری سر سری کردن و صحه را پرکردنت هزاران خیر لارم داریم باید آنها را در جریده ها بخوانیم مد از فراغت معلوم است از برکت مشروطه حمام شیر دار و تطقیفات کوچک ها و روشنی محلات بقرار معهود خواهد شد این فرمایش شما در زمان استبداد با موقع بود نه در زمان مشروطه از مدیر محترم جریده حبل المتین دام بقائه مستدعی میباشم این مختصر نامه را درج فرمایند همقطاری و هم قلمی را ملاحظه فرمایند دل ما سر حد نشینان کباب است باید بمد از این باوتر بلند بگوئیم (امضاء محفوظ)

(مکتوب عراق)

حضور مبارک مدیر جریده مقدسه حبل المتین یومیه دامت برکاته مستدعی است این عریضه را در جریده مقدسه درج فرمائید اگر چه تاکنون حضور مبارک مشرف نشده ولی هر آدم عاقلی که جریده مقدسه را زیارت کند گویا عالم وطن پروری جناب اجبل عالی معاوش بشود نمره ۱۱۷ نه مکتوب انجمن تدبیر عراق که حضور مبارک عرض شده بود و در جریده فریسه درج نموده بودند زیارت کردید همین قدر عرض میکند هزاران سال است که کوب اقبال ما ایرانیان منصف شده و هر روزه رفتن رفته بستانهای ذلت و پریشانی رسید و بطوری در دریای جهالت غوطه در بودیم که در این اواخر تصور میکردیم خلق نشده ایم مگر برای اینکه مستبدین بواسطه

وجود ما استیفای حظ خود را بنمایند و هیچ کس باین يك مشت بازماندگان از کاروان عدالت و تمدن رو نمائی نکرد تا اینکه فریاد های چهارده سال قبل تاکنون حضرت معنی لمة و الدین آدی مؤید الاسلام دام ظلله اسباب نجات این يك مشت بیچاره از وادی غفلات شد و این نفس عیسوی محرک جمعی از بزرگان دیر و عقلای عصر شده و علاج ما بیچارگان را بتاسیس مجلس مقدس شورای ملی دیدند حسارات و زحمت فوق الطافه متحمل شدند تا بحمد الله این محکم بنارا که اسباب حیات ملت ایران است بر قرار فرمودند که خدای برقرارهان بدارد بجز و زین نسیم عدالت و تمدن غبار نادانی از سر و صورت ما بزد و دلوای مشروطیت در تمام ایران بر باشد انوقت مستبدین در صد خرابی این محکم بنا برآمدند و در فکر علاج شدند هر چه دست و یزدند دیدند خرابی این بنا باین ترتیب غیر ممکن است لابد گرگان بلباس میش شدند و در انجمنهای اتحادیه خود را اعضاء قرار دادند من جمله چند نفر خود را در انجمن تدبیر عراق داخل کردند که بدین واسطه صدمه و تهمت نوع را فراهم نمایند بنای تلگرافات جمعی را گذاشتند و بمر انجمن محلی که باز تشکیل نشده تلگرافات زدند بعضی اشخاص متمدن وطن دوست که در انجمن بودند مطلع بحر کات آنها گردیده اورا از عضویت استفا داده و از انجمن خارج شدند و در صد تشکیل انجمن برآمدند تا بحمد الله انجمن محترم تمدن و انجمن عدالت مفتوح گردید این دو انجمن اسباب نکرد و ملالت آنها گردید و بنای سوادب را نسبت یا دارند کان لوی مشروطیت گذاشتند من جمله نسبت بوجود مبارک جنابعالی که واقعا خلاص کننده ما بیچارگان از وادی جهالت و دریای استبداد میباشید و باید ما ایرانیان تا عمر داریم لشکر تربیت شما را بنمائیم ولی این بنسده عرض میکند خاطر مبارک از جسارت آنها ملول نباشد مه فشانند نورو سک عو عو کند علاوه اعضاء انجمن محترم تمدن را و حتی مینویسند بنید پرسید جعفر پسر محمد جعفر بلک که در يك ماه قبل حسین نام بنارا در چهار ساعت از شب گذشته در قنات ناصر الدوله مقتول کرد اعضاء یا ما همدکدام انجمن است جناب حاجی امام جمعه را که یکی از فدویان مجلس مقدس است اعضاء کدام انجمن اورا کتک زدند با همه این تفصیلات اگر آنها اعضاء انجمن محترم تمدن را و حتی مینویسند این بنده آنها را تربیت شده تمدن مینویسم که مکافات دروغ آنها را بنده هم دروغ نوشته باشم از خداوند توفیق خدمت بنوع و وطن را خواهانم

(قال توجه وزارت جلیله علوم و معارفه که باید معلوم خواهد شد)

از آن روزیکه لوی مشروطیت در ایران بر پا شد

و ندای عدل و آزادی زبور گوش حاضر و بادی گردید
 عده جراید در وطن محبوب ما روز به روز میافزاید
 و هر هفته روز نامه ها بشارت طلوع چند جریده تازه
 میدهند و این مسئله بدیهی است که اول شرط ترقی
 هر دولت و ملت (مدارس با اصول جدید) و جراید و
 مطبوعات آزاد است بخصوص برای هموطنان عزیز ما که
 تازه از خواب غفلت بیدار میشوند در این موقع و حال
 هیچ چیز بهتر و لازمتر از جراید آزاد نیست ولی چون
 که تا امره قانون مطبوعات در ایران وضع و اعلان نشده است
 روزنامه نویسان نمیتوانند باطمینان و قوت قلب بوظیفه
 مشرور خود اقدام نمایند از طرفی دیگر هم بعضی
 بی خردان معنی مشروطه را درست نه فهمیده تصور میکنند
 که بدان این هر چه بخواهند میتوانند بگویند و بنویسند و
 هیچ کس حق ندارد آنها را منع کند بدین جهت بارها اوقات
 در صفحات جراید بعضی مقالات درج میشود که نه اینکه در
 دول مشروطه در ممالک جمهوری هم چنین مقالات را هرگز
 در روزنامهها درج نمیکند در اغلب سلطنت های اروپا
 اداره مطبوعات ضمیمه وزارت داخله است ولی چون که
 در وطن محبوب ما مطبوعات در تحت ریاست وزارت
 علوم است پس وزارت جلیله علوم و معارف لازم است
 هر چه زودتر قانون مطبوعات را سوده نموده به مجلس
 دارالشورای ملی (شیدالله ارکانه) تقدیم فرماید و بعد از
 تصویب بمسحه مبارکه همایونی توشیح نموده مجری نماید
 که مدیران جراید و مؤلفین کتب از تکالیف حقوق و اختیارات
 خود سبوق و مستحضر شوند . نوشتن قانون مطبوعات
 ایقده و مشکلی نیست که چند مدت طول بکشد اصول و
 مختصر از مفصل او این است که در ایران کلیه جراید و
 مطبوعات باید آزاد باشند یعنی هر کس که خواست یک
 جریده یا اینکه یک کتاب بنویسد باید بتواند بلا تاخر باین
 نیت عالی و مقدس اقدام نماید و هیچ وقت از نوشتن راستی
 و حق ترسد و احدی بر حکام و مامورین دولت حق نداشته
 باشند به امور جراید مداخله نمایند

اگر از مدیران جرائد و مؤلفین کتب چیزی بر
 خلاف قانون مطبوعات منتشر شد یعنی اگر اسم مبارک
 اعلی حضرت همایون و والا حضرت ولیعهد را به بی احترامی
 بردند یا المیاد بالله بشما! اسلام و عربیت مقدسه حضرت
 خیر الانام توهین و اهزا نمودند یا چیزی نوشتند که
 در وطن ما مورث فتنه و اغتشاش میتواند شد یا
 اینکه نسبت بکس افترا و بهتان نوشتند باید اول تقصیر
 آنها در محاکمات عدلیه ثابت شود و بعد باندازه تقصیر شان
 به آنها مجازات شود و از برای مجازات هم باید درجاتی
 مقرر شود (۱) گرفتن جریمه جزئی (۲) توقیف

و قدغن آن جریده در چند روز یا هفته (۳) قدغن
 طبع و انتشار آن جریده مطلقاً در ایران (۴) حبس
 مدیر جریده یا اینکه مؤلف کتاب) دولت باید هیچ گونه مالیات
 از مدیران جراید نگیرد نمبر و گرایه پست برای فرستادن
 کتب و روزنامه جات از شهری به شهری دیگر باید در نهایت
 سهل و ارزان باشد که مدیران جراید بتوانند قیمت
 روز نامه را ارزان کنند که همه کس غنی و فقیر امکان
 داشته باشند روز نامه را خریده بخوانند

همچنان دولت علیه لازم است که به مامورین
 سرحدات امر فرماید که هیچ روز نامه یا کتابی را مانع
 از دخول به ایران نباشند و اگر در يك یا چند نمره
 روز نامه چیزی درج شده است که با قانون مطبوعات
 سلطنت ما مخالف است باید در سرحد فقط همان نمره
 ها را ضبط نمایند نه اینکه بکلی ورود آن جریده را به
 ایران منع و قدغن کنند

(امضا میرزا اسماعیل ابراهیم زاده تبریزی)

اخیر تلگرافی خارجه

از لندن قاید سید العربی از طرفی سلطان مراکش
 مامور مذاکرات با فرمانده اردوی فرانسه کرد بدو وارد
 کاسابلانکا شده است چهار قبیله از قبایل دیگر اعراب
 رسول مخصوص فرستاده اند که با مامورین فرانسه فراری
 در استقرار صلح بدهند

روز نامجات روس از صمیم قلب عقد عهد نامه
 جدید را تبریک و تهنیت گفته و اظهار رضایت بینمایند از
 اینکه سبب علت شبهات عدم اعتماد و اختلافی که از
 قدیم الایام بین این دو دولت بوده بوسیله این عهد نامه
 مرتفع میگردد عقیده بعضی از روز نامجات بر آنست که
 منافع و امتیازات و حدودی که دولتین نسبت بیکدیگر منظور
 داشته اند تقریباً معادل است و نمیتوان گفت کدام يك در
 این معامله صرعه برده اند چنانچه روز نامه نودر میای (از
 روز نامجات عده روس است) اظهار میدارد که حقوق
 و نفوذ دولت روس در تبت محقر و چند آن قابل اعتنا
 نبوده و نیست مسلك و سعی دولت روس تا کنون این
 بوده است که در حدود تبت بوسایل لازمه جلو گیری
 از پیش رفتن و جلو افتادن دولت انگلیس در آن سرزمین
 بنماید حالیه اگر دولت انگلیس از اقدامات فعلی دست
 بر دارد دولت روس نیز حق شکایت و عدم رضایت
 نخواهد داشت

(حسن الحسینی الکاشانی)